

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)
سال یازدهم، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۸

بررسی قدرت و قاطعیت گفتار گویشوران کردزبان با توجه رویکرد تسلط لیکاف^۱

ژینو ابراهیمی^۲
روناک مرادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر، گفتار گویشوران بومی کرد زبان شهرستان کامیاران (استان کردستان) را با استفاده از رویکرد تسلط لیکاف (Lakoff, 1975) مورد بررسی قرار داده است. بر پایه دیدگاه لیکاف، فراوانی به کارگیری برخی از ویژگی‌ها در زبان زنان، نسبت به زبان مردان بیشتر است. وی از این ویژگی‌ها با نام نشانگرهای زبانی عاری از قدرت و قاطعیت، یاد کرده و به همین سبب گونه زبانی زنان را ضعیف دانسته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی این مسئله است که عامل جنسیت همراه با متغیر تحصیلات، چه تأثیری بر قاطعیت گفتار ایجاد می‌کند. داده‌های پژوهش، به روش میدانی و با استفاده از مصاحبه گردآوری شدند. سپس این داده‌ها، با استفاده از آزمون مربع خنجر در محیط نرم‌افزار اس. پی. اس. مورد سنجش قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد بین جنسیت،

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2018.22718.1607

^۲ کارشناس ارشد زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)؛

brahim.zhino@stu.razi.ac.ir

^۳ دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استادیار گروه زبان‌شناسی. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور کرمانشاه؛

r.moradi@pnu.ac.ir

تحصیلات و فراوانی کاربرد گفتار عاری از قدرت، در گویش مورد اشاره ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به یافته‌های مقاله، باید اشاره نمود که متغیر تحصیلات در ایجاد زبانی قوی و همچنین کمزنگ کردن نشانگرهای عدم اعتماد به نفس و قدرت در کلام زنان، نقش چشمگیری نداشته‌است.

واژه‌های کلیدی: قاطعیت گفتار، جنسیت، تحصیلات، سورانی، رویکرد تسلط لیکاف

۱. مقدمه

نزدیک به چهار دهه است که از پیشینه جامعه‌شناسی زبان می‌گذرد؛ رویکردی که با افزایش پژوهش‌های زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی و با ارائه داده‌هایی درباره زبان‌های گروه‌های مختلف ایجاد شد. در جامعه‌شناسی زبان، تأثیر متغیرهای اجتماعی بر زبان مؤثر دانسته شده‌است. جامعه‌شناسی زبان در زیرمجموعه خود، زیربخش زبان‌شناسی جنسیت را جای داده‌است. در این میان، زبان‌شناسان به‌نامی مانند ترادگیل (Trudgill, 1983)، لیکاف (Lakoff, 1975) و هادسن (Hudson, 1990) در مقاله‌ها و کتاب‌های خود به زبان‌شناسی جنسیت پرداخته‌اند. آن‌ها در آثار خود بیشترین تمرکز را بر بررسی شیوه‌های به‌کارگیری زبان توسط دو جنس زن و مرد و تفاوت‌های زبانی میان آنان گمارده‌اند. با باور آن‌ها، زبان زنان و مردان بیشترین تأثیر خود را از جایگاه‌های اجتماعی آن‌ها می‌گیرد. زبان، توانایی مشترکی بین همه انسان‌ها است. هر چند این قواعد، نمایانگر قدرت حاکم در جوامع بشری است که در دوره‌های مختلف، قالب و شیوه‌های متفاوتی را در کاربرد به سخنوران تحمیل نموده‌است. زبان هر دو جنس زن و مرد در سیطره قواعدی قرار دارند که به صورت ناخودآگاه رفتار و گفتار آنان را کنترل می‌کند. جوامع گوناگون به نسبت رشد فرهنگی و اقتصادی خود، نگرش‌های متفاوت فرهنگی دارند. هر چند آن‌ها اشتراک زیادی در نگرش جنسیتی خود دارند که منجر به نگاه تقریباً یکسان بالا به پائین نسبت به جایگاه زن گردیده‌است. به دنبال آن، به‌کارگیری زبان نیز از این قاعده به دور نبوده‌است. در واقع، در نسبتی معنادار، زبان زنان در جایگاهی نازل و زبان مردان در جایگاهی والا قرار گرفته‌است. این پژوهش در پی بررسی گفتار زنان و مردان کردزبان ساکن در شهرستان کامیاران، بر پایه رویکرد تسلط^۱ لیکاف (Lakoff, 1975) با استفاده از متغیرهای جنسیت و تحصیلات، است. کردی شهرستان کامیاران گونه‌ای از کردی سورانی است. علت انتخاب این شهرستان، فضای مردسالار آن است که بافت زبانی مناسبی برای مطالعه ادعای لیکاف را فراهم می‌سازد.

^۱ dominance approach

۲. مبانی نظری پژوهش

زبان‌شناسی جنسیت، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های جامعه‌شناسی زبان است که در آن تأثیر متغیر جنسیت بر شیوه کاربرد زبان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر پایه دیدگاه داوری اردکانی (Davari, 2008):

از دیدگاه زبان‌شناسی پرداختن به تأثیر متغیر جنسیت بر زبان موجه و ضروری است. چون زبان‌شناس را قادر به توصیف دقیق‌تر زبان می‌کند. از دیگر سو پژوهش در این موضوع از دیدگاه جامعه‌شناسی ضرورت می‌یابد. چرا که راهی برای آگاهی از جایگاه جنسیت‌ها در جوامع و تأثیر متقابل آنها در شکل‌گیری ارتباط است (Davari Ardakani, 2008, p. 163).

مقاله «زبان و جایگاه زن» رابین لیکاف (Lakoff, 1973) در بجه‌ای برای پژوهش در این زمینه را به صورت جدی گشاده نمود. لیکاف، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر جنسیت در زبان را قدرت می‌داند. وی بر این باور است که زبان زنان دارای مؤلفه‌هایی است که نمایانگر ضعف و عدم اعتماد به نفس هستند. وی سرچشمه پدید آمدن چنین زبانی را عواملی مانند فرهنگ و اجتماع مردانه دانسته است. این دیدگاه، اساس رویکرد تسلط لیکاف (همان) است. بر پایه این رویکرد، جایگاه پائین زنان در اجتماع از یک سو و قدرت همیشگی و پایدار مردان از سوی دیگر، سبب پدید آمدن زبان خاص زنان شده است. از نشانه‌های بارز زبان ویژه زنان عدم قدرت، عدم قاطعیت و عدم اعتماد به نفس است. به باور وی، زبان که نهاد تفکر است، در چنین شرایطی باعث به وجود آمدن تفاوت زبانی در بین دو جنس زن و مرد شده است.

لیکاف در آثار گوناگونش (Lakoff, 1973; 1975; 2004) ویژگی‌های متفاوتی برای زبان زنان در نظر گرفته است. در این راستا، می‌توان به آثار پژوهشگران دیگر اشاره کرد؛ در این زمینه محمودی بختیاری و دهقانی (Mahmoudi Bakhtiari, & Dehghani, 2013) به هشت مشخصه زبانی، حاتمی (Hatami, 2017) به نه ویژگی زبانی و همچنین مقاله دلبری و همکاران (Delbari et al., 2017) به یازده مشخصه زبانی اشاره نموده‌اند. نگارندگان در این پژوهش، نه ویژگی را مورد بررسی قرار داده‌اند که از این قرارند:

۲. ۱ عوامل طرفه‌روی^۱

صورت‌هایی هستند که بیشتر در موارد تردید و طرفه رفتن به کار می‌روند. برای نمونه، می‌توان به «منظورم اینه که...»، «می دونی...» و «خب...» اشاره کرد.

¹ hedging

۲.۲. صفت‌های تهی^۱

منظور از صفت‌های تهی آن دسته از صفت‌هایی است که دارای معنای دقیق و مشخصی نیستند. برای نمونه، صفت‌هایی مانند «ناز» و «باحال» در زبان فارسی.

۲.۳. کلام مودبانه^۲ و درخواست‌های غیرمستقیم^۳

زنان نسبت به مردان مؤدبانه‌تر صحبت می‌کنند. فراوانی واژه‌هایی که بار مثبت بیشتری دارد، در جمله‌های آن‌ها نسبت به جمله‌های مردان بیشتر است. صورت‌هایی مانند «لطفاً اگر برایتان مقدور است...»، «لطفاً اگر امکان دارد...»، و «اگر زحمتی نیست...». در زبان فارسی نمونه‌هایی از کلام مؤدبانه زبان زنان است.

۲.۴. دشواژه‌ها یا پاره‌گفته‌های رکیک^۴

واژه‌هایی هستند که برای تحقیر و توهین مورد استفاده قرار می‌گیرند. معمولاً استفاده از آن‌ها در یک فرهنگ ویژه رواج ندارد و به وسیله هر قشری به زبان نمی‌آیند. به باور لیکاف (Lakoff, 1975) زنان در کلام‌شان از پاره‌گفته‌های رکیک و دشواژه‌ها کمتر از مردان استفاده می‌کنند.

۲.۵. پرسش‌های ضمیمه^۵

گرفتن تأیید از مخاطب با استفاده از پرسش‌های کوتاه ضمیمه از دیگر ویژگی‌های زبان زنان پنداشته شده است. این گونه پرسش‌ها، اغلب در موارد عدم قاطعیت به کار می‌روند و از مخاطب تأیید ضمنی کلام را تقاضا می‌کنند. برای نمونه، می‌توان به این جمله اشاره کرد: «مامان بیش از حد لی لی به لالاش گذاشته، این طور نیست؟»

۲.۶. رنگ‌واژه‌ها^۶

زنان و مردان در نام‌گذاری رنگ‌ها با هم تفاوت دارند. زنان بسیار دقیق‌تر، ظریف‌تر و جزئی‌تر به نام‌گذاری رنگ‌ها نسبت به مردان می‌پردازند. برای نمونه، زنان در طیف رنگ قرمز از رنگ‌واژه‌هایی مانند جگری، ارغوانی، آلبالویی و موارد مشابه استفاده می‌کنند، در حالی که بیشتر مردان تمامی آن‌ها را فقط قرمز می‌نامند.

¹ empty adjectives

² super polite forms

³ indirect requests

⁴ curse language or expletives

⁵ tag questions

⁶ color terms

۲.۷. توصیف‌کننده‌های ضعیف^۱

به باور لیکاف، توصیف‌کننده‌های ضعیف مانند «اوه خدای من»، «یا خدا...» و «وای عزیزم...» اغلب در زبان زنان مشاهده می‌شود. این توصیف‌کننده‌ها در مقابل توصیف‌کننده‌های قوی مانند «لعنتی» و «پدر سوخته» که در برخی موارد جزئی از دشواژه‌ها به شمار می‌آیند، در زبان مردان نمود می‌یابند.

۲.۸. تکیه تأکیدی^۲

زنان در توصیف مسائلی که آن‌ها را به هیجان می‌آورد، چه مثبت و چه منفی، واژه‌ها را با تشدید بیان می‌کنند: «نمیدونی چقدر خوشگل بود!».

۲.۹. آهنگ خیزان^۳

به باور لیکاف (Lakoff, 1975)، زنان در هنگام ادای جمله‌های خبری، به جای آهنگ افتان ویژه جمله‌های خبری از آهنگ خیزان ویژه جمله‌های پرسشی استفاده می‌کنند.

۳. پیشینه پژوهش

رویکرد مطرح‌شده در اثر «زبان و جایگاه زن» لیکاف (Lakoff, 1975) به عنوان رویکردی در زمینه زبان و جنسیت پرسش‌های فراوانی را برای پژوهشگران ایجاد نموده‌است. این پرسش‌ها، پژوهشگران را بر آن داشت تا مطالعاتی را در تأیید و رد این نظریه در بافت‌های مختلف اجتماعی، در زبان‌های گوناگون و با متغیرهای متنوع، انجام دهند. از پژوهش‌هایی که در زبان فارسی انجام شده‌است می‌توان به پایان‌نامه‌ی عاملی موسوی (Aameli Mousavi, 1989) اشاره کرد. این اثر به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در به‌کارگیری گفتار مؤدبانه در زبان دو جنس زن و مرد پرداخته‌است. یافته‌های این پژوهش نمایانگر آن است که زنان بیش از مردان از گفتار مؤدبانه استفاده می‌کنند. فارسیان (Farsian, 1999) نیز به بررسی تفاوت‌های واژگانی در گفتار زنان و مردان پرداخته‌است. وی در پی یافتن پاسخ به این مسئله بوده‌است که آیا برخی از واژگان به گروه‌های مؤنث یا مذکر تعلق دارند که بتوان به این اعتبار آن‌ها را واژگان جنسیتی خواند. فارسیان در پایان‌نامه‌ی خود متغیر طبقه اجتماعی را نیز در نظر گرفته‌است. او به این نتیجه رسیده‌است که برخی

¹ weak qualifiers

² emphatic stress

³ rising intonation

از اصطلاح‌ها و واژگان در زبان هر دو جنس، به دلیل دگرگونی‌های اجتماعی و محیطی کم و زیاد شده‌اند. وی تفاوت‌هایی در گفتار طبقات مختلف هم‌جنس را نیز گزارش نموده‌است. مهم‌ترین نتیجه این بوده است که با بالا رفتن طبقه اجتماعی، تفاوت واژگانی در گفتار زنان مردان کاهش می‌یابد. ابراهیمی (Ebrahimi, 2018) در پایان‌نامه خود به بررسی گفتار زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی پرداخته‌است. وی پنج ویژگی جدید را با توجه به رویکردهای روانشناسی به ویژگی‌های زبانی ارائه‌شده لیکاف افزوده‌است. وی تمامی این ویژگی‌ها را پس از بررسی با استفاده از نظریه سازوکارهای دفاعی فروید تبیین نموده‌است. بامان و همکاران (Bamman et al., 2014) سبک زبانی و شبکه‌های اجتماعی را ارزیابی کردند. آن‌ها از میان ۱۴۰۰ کاربر شبکه اجتماعی تویتر^۱ داده‌های مورد نیاز خود را استخراج نموده و به تجزیه و تحلیل آن پرداختند. آن‌ها دسته‌بندی تازه‌ای را ارائه نمودند. به این صورت که بر پایه علاقه‌مندی دسته‌ها را تقسیم نمودند و سپس به بررسی جنسیت و موارد مورد علاقه پرداختند. لونگوباردی و همکاران (Longobardi et al., 2016) رابطه زبان و جنسیت را در گفتار کودکان پیش‌دبستانی بررسی کردند. آن‌ها گفتار ۲۶۸ کودک پیش‌دبستانی در رده سنی ۱۸ تا ۳۵ ماه را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که زبان کودکان پسر بیش از زبان کودکان دختر با توانش اجتماعی در ارتباط است. پژوهشگران بسیاری در این زمینه به مطالعه پرداخته‌اند که می‌توان به آثار ابار و ائکینز (O'barr, 1980 & Atkins)، تانن (Tannen, 1986; 1990; 1994)، و جلی (Voegeli, 2005)، کتابی و همکاران (Ketabi et al., 2010)، رهبر و همکاران (Rahbar et al., 2012)، شریفی مقدم و بردبار (Sharifi Moghadam & Bordbar, 2011)، برزگر آق‌قلعه (Barzegar Aq Qala, 1999)، جابر (Jaber, 2002) و اصلانی (Aslani, 2004) اشاره کرد.

۴. روش پژوهش

روش نمونه‌گیری پژوهش به صورت هدفمند بوده و داده‌ها با روش مصاحبه گردآوری شدند. ۴۰ نفر (۲۰ زن و ۲۰ مرد) در دو سطح تحصیلی پائین (دیپلم و پائین‌تر) و بالا (کارشناسی و بالاتر) انتخاب شدند و از آن‌ها مصاحبه گرفته شد. برای بررسی بهتر تأثیرگذاری دو متغیر جنسیت و تحصیلات، متغیر سن کنترل گردید. به این صورت که فقط افرادی از یک گروه سنی (۲۵ تا ۴۵ سال) در این پژوهش شرکت داده شدند. ویژگی‌های زبانی مورد نظر از میان مصاحبه‌ها استخراج شد و برای اطمینان از سطح اعتبار داده‌ها، پس از گذشت چند ماه دوباره داده‌ها با استفاده از

¹ Twitter

آزمون روایی درونی^۱ استخراج گردیدند. سپس، با توجه به نظریه لیکاف (Lakoff, 1975)، داده‌ها به دو صورت کمی و کیفی، به ترتیب، با استفاده از آزمون مربع خی^۲ در محیط نرم‌افزار اس. پی. اس. و به روش تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفتند.

۵. تحلیل داده‌ها

برای بررسی وجود و یا نبود ارتباط بین متغیرهای مفروض در این پژوهش، ابتدا هر یک به صورت جداگانه بررسی می‌شود و سپس آن‌ها نسبت به یکدیگر تحلیل می‌گردند.

۵.۱. جنسیت

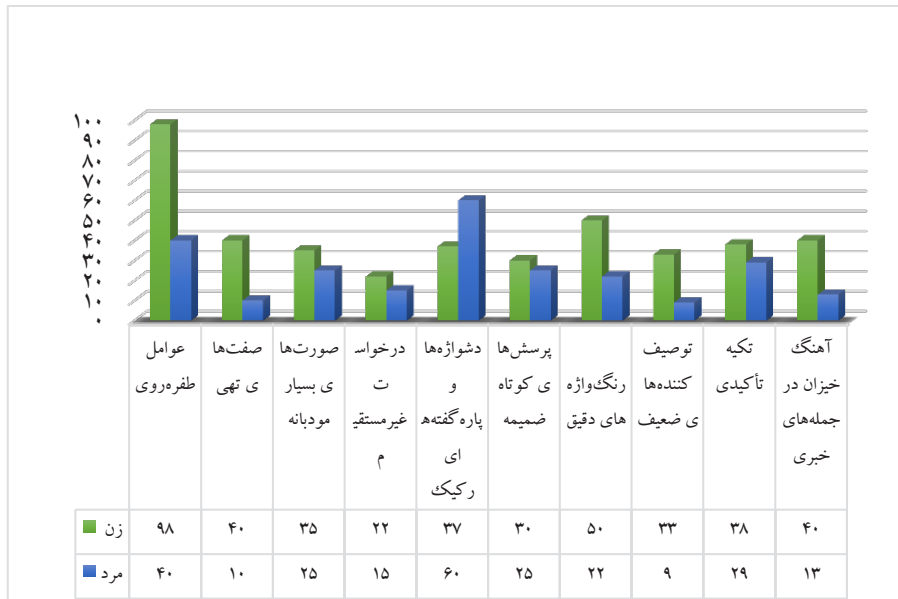
جدول زیر، فراوانی ویژگی‌های زبانی مختص زنان، بر پایه رویکرد لیکاف (Lakoff, 1975)، را در دو گروه جنسیتی زن و مرد نشان می‌دهد. در ادامه، برای سهولت مشاهده دیداری، این فراوانی‌ها به صورت جدول نیز ارائه شده‌است.

جدول ۱: فراوانی ویژگی‌های زبانی دو جنس زن و مرد

فراوانی			ویژگی‌های زبانی
جمع	مرد	زن	
۱۳۸	۴۰	۹۸	استفاده از عوامل طفره‌روی
۵۰	۱۰	۴۰	صفت‌های تهی
۶۰	۲۵	۳۵	صورت‌های بسیار مودبانه
۳۷	۱۵	۲۲	درخواست غیرمستقیم
۹۷	۶۰	۳۷	دشوآژه‌ها و پاره‌گفته‌های رکیک
۵۵	۲۵	۳۰	پرسش‌های کوتاه ضمیمه
۷۲	۲۲	۵۰	رنگ‌واژه‌های دقیق
۴۲	۹	۳۳	توصیف‌کننده‌های ضعیف
۶۷	۲۹	۳۸	تکیه تأکیدی
۵۳	۱۳	۴۰	آهنگ خیزان در جمله‌های خبری

¹ internal validity

² chi-square



شکل ۱: فراوانی ویژگی های زبانی دو جنس زن و مرد

همان طور که نمودار و جدول بالا نشان می دهند، فراوانی ویژگی های مطرح در رویکرد تسلط در زبان زنان بیشتر از زبان مردان است. هر چند این فراوانی ها یکسان نیستند. بیشترین اختلاف در کاربرد ویژگی های «استفاده از عوامل طفره روی» و «صفت های تپه»، و کمترین اختلاف به ترتیب در کاربرد ویژگی های «پرسش های کوتاه ضمیمه»، «درخواست غیرمستقیم» و سپس «تکیه تأکیدی» است. درصد بالای کاربرد عوامل طفره روی در زبان زنان می تواند نمایانگر نبود انسجام کلام و تسلط بر موضوع و همچنین نداشتن اعتماد به نفس در یکپارچه گفتن سخنان مورد نظرشان است. در مقابل، استفاده بسیار از «دشوآژه ها و پاره گفته های رکیک» در زبان مردان بیانگر آن است که آن ها در موقعیت هایی که از این نوع گفتار استفاده می کنند، کاملاً حق را به خود می دهند. در واقع، این احساس برتری است که به آن ها اجازه می دهد تا این نوع از خشونت کلامی را در زبان خود جاری کنند. از سوی دیگر، جامعه از زنان انتظار دارد که متین و موقرانه رفتار کنند. به نظر می رسد این نکته در فضای اجتماعی حاکم بر شهرهای کوچک شدت بیشتری می یابد.

در ادامه سطح معناداری بین جنسیت و فراوانی استفاده از ویژگی های زبانی نشانگر نبود قدرت و قاطعیت در گفتار افراد بررسی می شود. برای دستیابی به این هدف، از آزمون مربع خی^۱ در محیط نرم افزار اس.پی.اس.اس^۱ استفاده شده است:

^۱ chi square test

جدول ۲: نتایج آزمون مربع خي بر اساس متغير جنسيت

ویژگی های زبانی	مقادیر مربع خي	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل طفره روی	۲۴/۳۷۷	۱	۰/۰۰۰
صفت های تهی	۱۸/۰۰۰	۱	۰/۰۰۰
صورت های بسیار مودبانه	۱/۶۷۷	۱	۰/۱۹۷
درخواست غیرمستقیم	۱/۳۲۴	۱	۰/۲۵۴
دشوژه ها و پاره گفته های رکیک	۱۳/۵۰۳	۱	۰/۰۰۱
پرسش های کوتاه ضمیمه	۰/۴۵۵	۱	۰/۵۰۰
رنگ واژه های دقیق	۱۰/۸۸۹	۱	۰/۰۰۱
توصیف کننده های ضعیف	۱۳/۷۱۴	۱	۰/۰۰۰
تکیه تأکیدی	۱/۲۰۹	۱	۰/۲۷۲
آهنگ خیزان در جمله های خبری	۱۳/۷۵۵	۱	۰/۰۰۰

نتایج آزمون خي، در جدول بالا نشان می دهد که ویژگی های زبانی «عوامل طفره روی» با سطح معناداری ۰/۰۰۰، «صفت های تهی» با سطح معناداری ۰/۰۰۰، «دشوژه ها و کلمات رکیک» با سطح معناداری ۰/۰۰۱، «رنگ واژه های دقیق» با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و «آهنگ خیزان در جمله های خبری» با داشتن سطح معناداری با سطح معناداری ۰/۰۰۰ که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد قرار می گیرند. بنابراین می توان گفت تفاوت معنادار در گفتار دو جنس زن و مرد و میزان به کارگیری این ویژگی های زبانی وجود دارد. از این رو، این ویژگی ها به جوامع بزرگتر و مشابه با جامعه مورد پژوهش قابل تعمیم است. دیگر ویژگی های زبانی مورد بررسی از جمله «صورت های بسیار مودبانه»، «درخواست غیرمستقیم»، «پرسش های کوتاه ضمیمه» و «تکیه تأکیدی» با داشتن سطح معناداری بالاتر از درصد خطای ۰/۰۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصدی قرار نمی گیرند. به همین دلیل تفاوت معناداری را میان جنسیت و این ویژگی ها نمی توان مشاهده نمود. همچنین قابلیت تعمیم پذیری هم به جوامع بزرگتر و مشابه با جامعه مورد پژوهش را نخواهند داشت. شاید بتوان گفت این ویژگی ها نسبت به دیگر ویژگی هایی

¹ SPSS

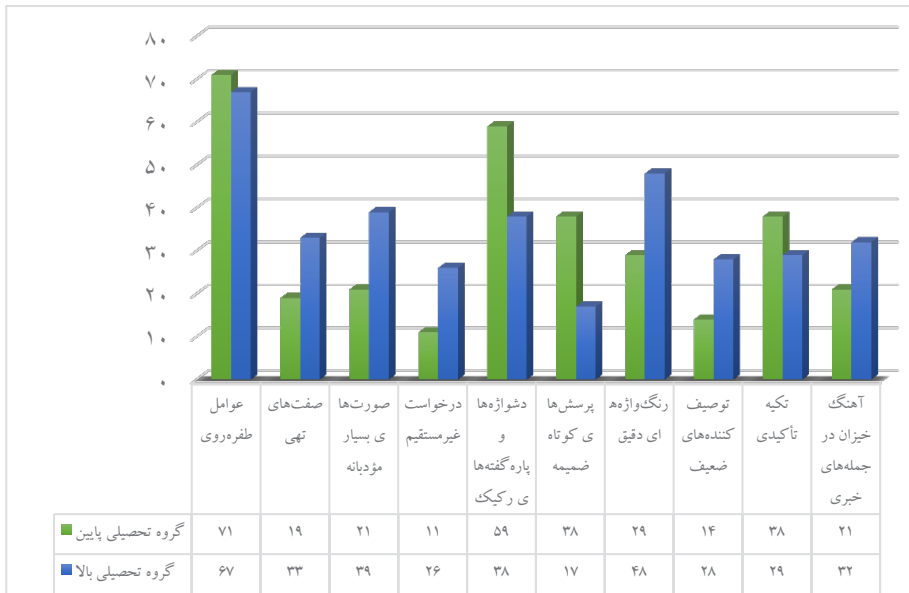
که قابلیت تعمیم داشتند، با توجه به شرایط و نسبت‌های افراد با هم در مکالمات رسمی و غیر رسمی بیشتر دستخوش تغییر هستند. نکته قابل توجه در شکل (۱)، ویژگی «استفاده از دشواژه‌ها و پاره‌گفته‌های رکیک» است که بیشترین فراوانی را در زبان مردان نسبت به زبان زنان دارند. به بیان دیگر، همان‌گونه که لیکاف (Lakoff, 1975) بیان کرده‌است زنان از به‌کاربردن دشواژه‌ها و پاره‌گفته‌های رکیک نسبت به مردان بیشتر دوری می‌کنند. در جدول (۲)، شاهد تفاوت معنادار این ویژگی، «استفاده از دشواژه‌ها و پاره‌گفته‌های رکیک»، با استفاده از تحلیل آماری هستیم. هر چند این تفاوت به صورت برعکس روی داده‌است که باز هم تأییدکننده نظر لیکاف (Lakoff, 1975) است مبنی بر اینکه زنان از واژه‌های رکیک و دشواژه‌ها کمتر از مردان استفاده می‌کنند.

۲.۵. تحصیلات

بر پایه متغیر تحصیلات، هر گروه ۲۰ نفری از یک جنسیت، از ۱۰ نفر با تحصیلات پائین (دیپلم و پائین تر) و ۱۰ نفر با تحصیلات بالا (لیسانس و بالاتر) تشکیل شده‌است. جدول (۳) و شکل (۲)، فراوانی استفاده از ویژگی‌های زبانی مورد نظر پژوهش را با توجه به سطح تحصیلات افراد نمونه، بدون توجه به جنسیت آن‌ها، نشان می‌دهند.

جدول ۳: فراوانی ویژگی‌های زبانی بر اساس متغیر تحصیلات

فراوانی			ویژگی‌های زبانی
مجموع	گروه تحصیلی بالا	گروه تحصیلی پائین	
۱۳۸	۶۷	۷۱	استفاده از عوامل طفره‌روی
۵۲	۳۳	۱۹	صفت‌های تهی
۶۰	۳۹	۲۱	صورت‌های بسیار مودبانه
۳۷	۲۶	۱۱	درخواست غیرمستقیم
۹۷	۳۸	۵۹	دشواژه‌ها و پاره‌گفته‌های رکیک
۵۵	۱۷	۳۸	پرسش‌های کوتاه ضمیمه
۷۷	۴۸	۲۹	رنگ‌واژه‌های دقیق
۴۲	۲۸	۱۴	توصیف‌کننده‌های ضعیف
۶۷	۲۹	۳۸	تکیه تأکیدی
۵۳	۳۲	۲۱	آهنگ خیزان در جمله‌های خبری



شکل ۲: فراوانی ویژگی‌های زبانی در دو گروه تحصیلی بالا و پائین

بر پایه شکل و جدول بالا، تحصیلات به صورت کلی بر زبان تاثیر گذارده است. با توجه به جدول‌های (۲) و (۴)، با وجود تفاوت معناداری که تحصیلات بر فراوانی کاربرد ویژگی‌های زبانی لیکاف (Lakoff, 1975) ایجاد نموده است، این تفاوت بیشتر بر اساس متغیر جنسیت است. شکل (۲) بیشترین اختلاف را در کاربرد «دشواژه‌ها و پاره‌گفته‌های رکیک» و کمترین اختلاف را در به کارگیری «عوامل طفره‌روی» نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج آزمون مربع خی بر اساس متغیر تحصیلات

ویژگی‌های زبانی	مقادیر مربع خی	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل طفره‌روی	۰/۱۱۶	۱	۰/۷۳۳
صفت‌های تهی	۳/۷۶۹	۱	۰/۰۵۰
صورت‌های بسیار مودبانه	۵/۴۰۰	۱	۰/۰۲۰
درخواست غیرمستقیم	۶/۰۸۱	۱	۰/۰۱۴
دشواژه‌ها و پاره‌گفته‌های رکیک	۴/۵۴۶	۱	۰/۰۳۳
پرسش‌های کوتاه ضمیمه	۸/۰۱۸	۱	۰/۰۰۵
رنگ‌واژه‌های دقیق	۴/۶۸۸	۱	۰/۰۳۰
توصیف‌کننده‌های ضعیف	۴/۶۶۷	۱	۰/۰۳۱
تکیه تأکیدی	۱/۲۰۹	۱	۰/۲۷۲
آهنگ خیزان در جمله‌های خبری	۲/۲۸۳	۱	۰/۰۳۱

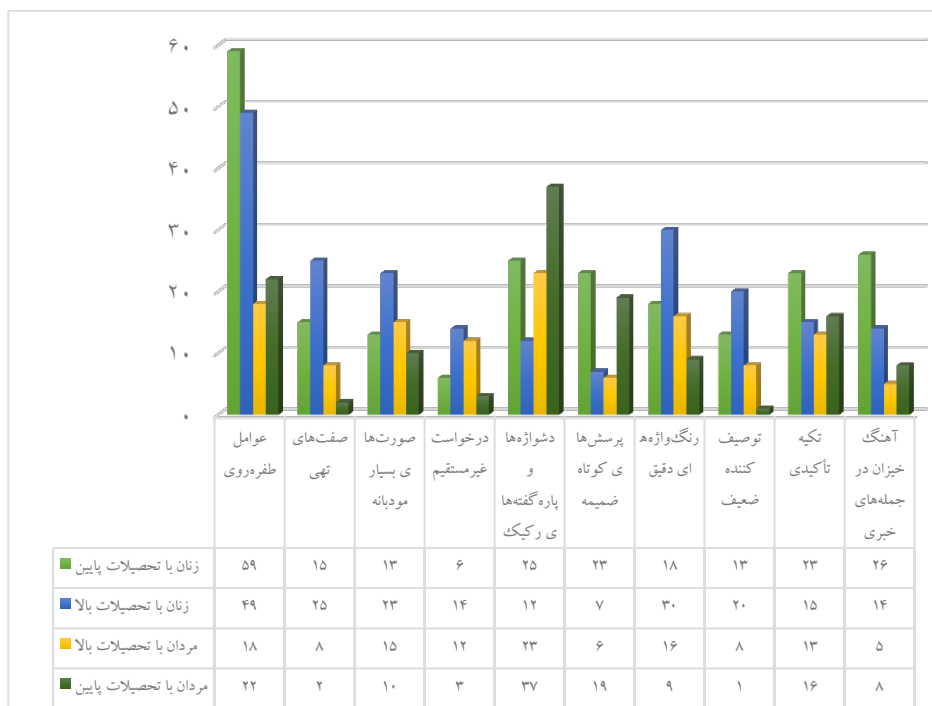
تحلیل آماری آزمون مربع خی نشان می‌دهد که دو ویژگی «عوامل طفره‌روی» با سطح معناداری ۰/۷۳۳ و «تکیه تأکیدی» با سطح معناداری ۰/۲۷۲ هر دو دارای درصد خطای ۰/۰۵ بیشتر هستند. همچنین این دو ویژگی در سطح اطمینان ۹۵ درصدی قرار نمی‌گیرند. از این رو، این دو ویژگی نمایانگر تفاوت معنادار براساس متغیر سطح تحصیلات نیستند. هر چند مابقی ویژگی‌ها با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصدی قرار می‌گیرند و قابلیت تعمیم به جوامع بزرگتر و مشابه به جامعه پژوهش را دارند. این ویژگی‌ها همچنین نمایانگر این موضوع هستند که بین متغیر تحصیلات و فراوانی استفاده از ویژگی‌های زبانی تفاوت معناداری وجود دارد. هر چند باید توجه نمود که در گروه تحصیلی بالا، به جز در موارد محدودی، فراوانی استفاده از ویژگی‌های زبانی لیکاف (Lakoff, 1975)، بیشتر از فراوانی آن در گروه تحصیلی پائین است. برای نمونه، استفاده از «صفت‌های تهی»، «صورت‌های بسیار مؤدبانه» و «درخواست‌های غیرمستقیم» که به گونه‌ای با هم همپوشانی دارند، در گفتار افراد با تحصیلات بالا بیش از گفتار افراد با تحصیلات پائین به چشم می‌خورد. این امر خود نمایانگر رعایت ادب و احترام در مکالمه است. رعایت این امر معمولاً در زبان افراد با تحصیلات بالا نسبت به زبان افراد با تحصیلات پائین نیز بیشتر انتظار می‌رود. هر چند به جز رعایت ادب که خود بحثی جداگانه است، بر پایه دیدگاه لیکاف (همان)، استفاده از این ویژگی‌ها به گونه‌ای نشان از نوعی عدم قدرت و قاطعیت در گفتار است. این امر خود بیانگر این نکته است که تحصیلات در بافت جامعه مورد پژوهش منجر به تولید زبانی قوی و قاطع نشده است. همان‌گونه مشاهده می‌شود، این ویژگی‌ها در زبان افراد تحصیلکرده فراوانی بیشتری دارد که در بخش ۶، این مورد به صورت مفصل بحث خواهد شد.

۵.۳. همبستگی جنس و تحصیلات

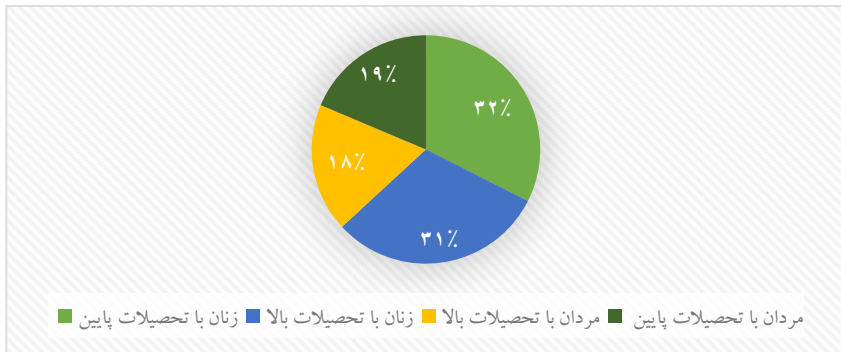
این بخش، به بررسی تأثیر متغیر تحصیلات بر زبان هر دو جنس زن و مرد می‌پردازد. در این جا، ابتدا در جدول زیر به تفکیک جنس و سطح تحصیلات، فراوانی کاربرد ویژگی‌های زبانی محاسبه می‌شود. سپس نمودار درصد فراوانی بر اساس جنس و تحصیلات ترسیم می‌گردد. در نهایت، یافته‌ها با استفاده از آزمون مربع خی بحث و بررسی می‌شود.

جدول ۵: فراوانی ویژگی‌های زبانی در هر دو جنس زن و مرد و هر دو گروه تحصیلی پائین و بالا

فراوانی				ویژگی‌های زبانی
مردان با تحصیلات بالا	زنان با تحصیلات بالا	مردان با تحصیلات پائین	زنان با تحصیلات پائین	
۱۸	۴۹	۲۲	۵۹	استفاده از عوامل طفره‌روی
۸	۲۵	۲	۱۵	صفت‌های تهی
۱۵	۲۳	۱۰	۱۳	صورت‌های بسیار مودبانه
۱۲	۱۴	۳	۶	درخواست غیرمستقیم
۲۳	۱۲	۳۷	۲۵	دشوآه‌ها و کلمات رکیک
۶	۷	۱۹	۲۳	پرسش‌های کوتاه ضمیمه
۱۶	۳۰	۹	۱۸	رنگ‌واژه‌های دقیق
۸	۲۰	۱	۱۳	توصیف‌کننده‌های ضعیف
۱۳	۱۵	۱۶	۲۳	تکیه تأکیدی
۵	۱۴	۸	۲۶	آهنگ خیزان در جمله‌های خبری

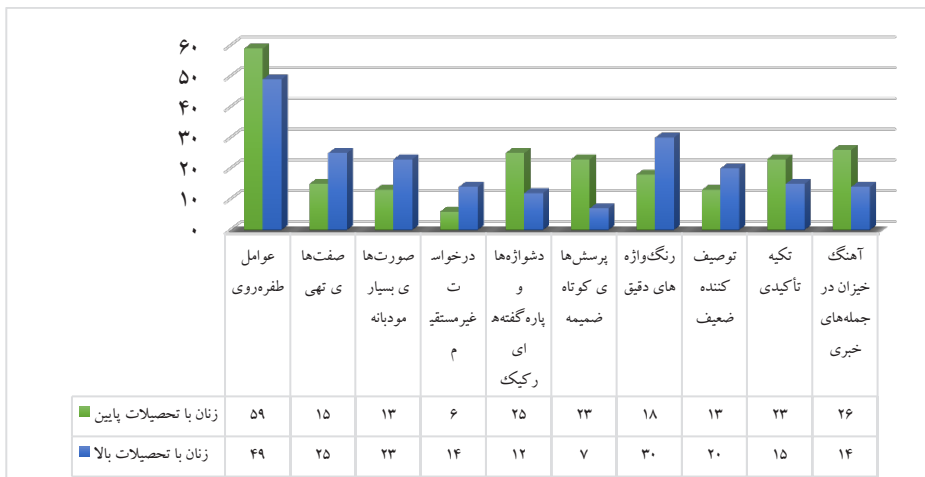


شکل ۳: فراوانی ویژگی‌های زبانی در دو گروه تحصیلی پائین و بالا



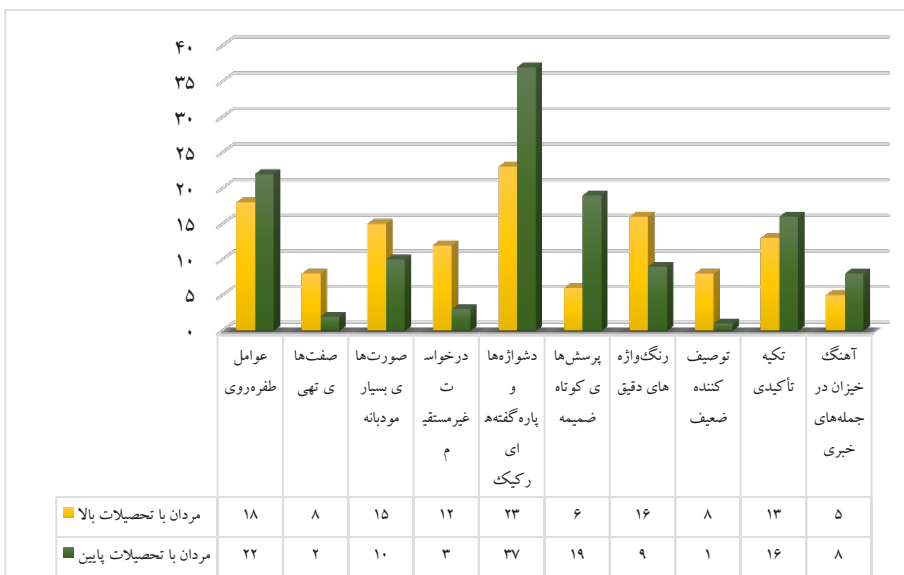
شکل ۴: مجموع استفاده از ویژگی‌های زبانی به تفکیک سن و تحصیلات

بر پایه شکل‌های بالا، مؤلفه «استفاده از عوامل طفره‌روی» در زبان زنان و «استفاده از دشواژه‌ها و پاره‌گفته‌های رکیک» در زبان مردان بیشترین درصد کاربرد را به خود اختصاص داده‌است. هر چند اگر از زاویه جنسیت به نمودارها نگریسته شود، مشاهده می‌شود که زبان زنان در هر دو سطح تحصیلی درصد بیشتری از مؤلفه‌های نشانگر عدم قدرت و قاطعیت نسبت به گفتار مردان دارد. به بیان دیگر، بر پایه شکل (۴) می‌توان گفت در جامعه کردنشین شهرستان کامیاران به طور کلی ویژگی‌های زبانی رویکرد لیکاف (Lakoff, 1975) که بیانگر عدم قدرت و قاطعیت در گفتار است در گفتار زنان نسبت به گفتار مردان بیشتر است. در شکل (۴)، فراوانی کاربرد این ویژگی‌ها در زبان زنان حدود ۶۳٪ و در زبان مردان ۳۷٪ است. همچنین فراوانی کاربرد این ویژگی‌ها به صورت کلی در افراد با تحصیلات بالا ۴۹٪ و در افراد با تحصیلات پائین ۵۱٪ است. در ادامه به بررسی تاثیر سطح تحصیلی بالا و پائین در هر یک از دو جنس زن و مرد می‌پردازیم.



شکل ۵: فراوانی ویژگی‌های زبانی زنان در دو گروه تحصیلی پائین و بالا

با نگاهی به شاخص‌های زنان با تحصیلات بالا و زنان با تحصیلات پائین در شکل (۵)، از یک سو، فراوانی ویژگی‌های «صفت‌های تهی»، «صورت‌های بسیار مؤدبانه»، «درخواست‌های غیرمستقیم»، «رنگ‌واژه‌های دقیق» و «توصیف‌کننده‌های ضعیف» در گفتار زنان با سطح تحصیلات بالا بیش از گفتار زنان با سطح تحصیلات پائین به کار رفته است. همچنین، از سوی دیگر، فراوانی استفاده از «دشوآه‌ها و کلمات رکیک» در گفتار آنان نسبت به زنان با تحصیلات پائین کمتر است. با توجه به رویکرد لیکاف (Lakoff, 1975)، می‌توان گفت که تحصیلات بر جنسیت زنان نقش چندانی نداشته است. همچنان زنان در هر دو سطح تحصیلی بالا و پائین به گونه‌ای دارای زبانی عاری از قدرت و قاطعیت هستند. ناگفته نماند که متغیرهای بسیاری از جمله موقعیت جغرافیایی، فرهنگ، مذهب و غیره در این میان ایفای نقش می‌کنند که در یک پژوهش نمی‌توان همه آن‌ها را مورد توجه قرار داد. با توجه به مطالب بیان شده، باید گفت که متغیر تحصیلات در ایجاد زبانی قوی و همچنین کمرنگ کردن نشانگرهای عدم اعتماد به نفس و قدرت در کلام زنان نقش چشمگیری نداشته است. البته ناگفته نماند که این متغیر نیز در سیطره هژمونی‌های فرهنگی و اجتماعی قرار دارد و تا زمانیکه در جوامع، آداب و رسوم سنتی تعیین‌کننده بسیاری از مناسبات می‌باشد، عناصر دنیای مدرن از جمله تحصیلات فقط به مثابه یک ابزار به کار گرفته می‌شوند و نقش تعیین‌کننده را ایفا نخواهد کرد.



شکل ۶: فراوانی ویژگی‌های زبانی مردان در دو گروه تحصیلی پائین و بالا

شاخص‌های نمایانگر مردان با سطح تحصیلات بالا و مردان با سطح تحصیلات پائین در شکل (۶) نشان می‌دهند که گفتار مردان با سطح تحصیلات بالا نیز چندان تغییر قابل توجهی نسبت به گفتار مردان با سطح تحصیلات پائین نداشته‌است. همانطور که مشاهده می‌شود فراوانی ویژگی‌های «صفت‌های تهی»، «صورت‌های بسیار مؤدبانه»، «درخواست‌های غیرمستقیم» و «رنگ‌واژه‌های دقیق» در گفتار مردان با سطح تحصیلات بالا نسبت به گفتار مردان با سطح تحصیلات پائین بیشتر بوده است. هر در ادامه با استفاده از آزمون خی به بررسی معناداری این دو متغیر می‌پردازیم:

جدول ۶: نتایج آزمون مربع خی بر اساس جنسیت و تحصیلات

ویژگی‌های زبانی	مقادیر مربع خی	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل طفره‌روی	۳۲/۸۱۱	۳	۰/۰۰۰
صفت‌های تهی	۲۳/۴۴۰	۳	۰/۰۰۰
صورت‌های بسیار مؤدبانه	۶/۰۸۲	۳	۰/۱۰۸
درخواست غیرمستقیم	۹/۰۰۰	۳	۰/۰۲۹
دشوژه‌ها و پاره‌گفته‌های رکیک	۱۲/۹۷۹	۳	۰/۰۰۵
پرسش‌های کوتاه ضمیمه	۱۵/۹۰۹	۳	۰/۰۰۱
رنگ‌واژه‌های دقیق	۱۲/۵۳۴	۳	۰/۰۰۶
توصیف‌کننده‌های ضعیف	۱۸/۳۸۱	۳	۰/۰۰۰
تکیه تأکیدی	۳/۳۸۸	۳	۰/۳۳۶
آهنگ خیزان در جمله‌های خبری	۱۹/۲۸۳	۳	۰/۰۰۰

با توجه به آن‌چه جدول (۶) نشان می‌دهد، تمامی متغیرهای زبانی نشانگر عدم قدرت و قاطعیت رویکرد لیکاف (Lakoff, 1975)، به غیر از دو متغیر «صورت‌های بسیار مؤدبانه» و «تکیه تأکیدی تفاوت معناداری را بر اساس دو متغیر جنسیت و تحصیلات نشان می‌دهند. این متغیرها، قابلیت تعمیم به جوامع بزرگتر و مشابه جامعه پژوهش را دارند. ناگفته نماند که این تفاوت معنادار به معنای تأثیر مثبت متغیرها بر فراوانی به کارگیری ویژگی‌های زبانی رویکرد لیکاف نیست. همان‌گونه که مشاهده شد، فراوانی این ویژگی‌ها در زبان جامعه آماری پژوهش در پیوند با متغیرهای متفاوت تغییر کرد، اما به طور کلی با در نظر گرفتن جنسیت و سطح تحصیلات فراوانی این ویژگی‌ها در زبان زنان بیش از زبان مردان بود.

۶. بحث و نتیجه گیری

در این بخش، برای هریک از ویژگی‌های نظریه لیکاف، مثال‌هایی از داده‌های مستخرج از مصاحبه‌ها، همراه با تحلیل آن‌ها، ارائه می‌گردد. از پرکاربردترین عوامل طفره‌روی در زبان افراد مورد مطالعه، می‌توان به مواردی که در مثال‌های (۱) و (۲) آمده‌اند اشاره نمود. بر پایه دیدگاه لیکاف، عوامل طفره‌روی زمانی بسیار به کار می‌روند که فرد دچار نبود اعتماد به نفس شده‌است. در واقع، می‌توان گفت که افراد با استفاده از این دسته واژه‌ها به گونه‌ای برای خود زمان می‌خرند تا واکنش طرف مقابل را حدس بزنند و با توجه به آن واکنش، گفته خود را ادامه دهند.

1. ?æzani çæs

چی ه می‌دونی

«می‌دونی چیه؟»

2. ças

«خب»

نمونه بعدی استفاده از «صفت‌های تهی» است. همان‌طور که در بخش مبانی نظری مطرح شد، این دسته از صفت‌ها، دارای معنای مشخصی نیستند و لیکاف (Lakoff, 1975) از آن‌ها با عنوان صفت‌های خنثی و زنانه یاد می‌کند. فراوانی این صفت‌ها در زبان زنان نسبت به زبان مردان بیشتر بود. در این زمینه، در زمان گردآوری داده‌ها، تصویرهای گوناگونی از جمله تصویرهای کودکان به مصاحبه‌شوندگان نشان داده شد تا احساس‌شان را در قالب واژه‌های توصیفی بیان کنند. نکته جالب اینکه، موارد متعددی، مانند نمونه (۴)، وجود دارند که اگرچه صفتی منفی به شمار می‌آیند، اما در بافت مکالمه‌ای همچون واکنش به تصاویری از شیطنت کودکان زیبا بار معنایی مثبت پیدا می‌کنند.

3. guft tal

تلخ گوشت

«گوشت تلخ و نجسب»

4. na firin

شیرین بدون/نا

«زشت»

لیکاف (Lakoff, 1975) ادعا می‌کند که زنان نسبت به مردان مؤدبانانه‌تر حرف می‌زنند و بیشتر درخواست‌هایشان را به صورت غیرمستقیم مطرح می‌کنند. در تأیید این ادعا، در نمونه (۵) می‌بینیم که گوینده زن درخواست از دوستش را مبنی بر ملاقات وی به گونه‌ای بیان کرده که کمترین حس خودخواهی را به شنونده القا کند، به این امید که امکان اجابت تقاضا را به بیشترین حد

برساند. در مثال (۶) نیز گوینده میل دارد یک جای دیگر بنوشد. وی با استفاده از درخواست غیرمستقیم از شنونده می خواهد که یک جای دیگر به او بدهد. این دسته از جمله‌های مؤدبانه و درخواست‌های غیرمستقیم در زبان زنان مورد مطالعه کاربرد بیشتری نسبت به زبان مردان داشتند.

5. be zæhmæt særek-em le bæ

بزن به من سر زحمت بدون

«اگر زحمتی نیست، به من سر بزنید.»

6. daxwem çai mawe

مانده چایی یعنی

«به نظرت/ یعنی (بازهم) چایی مانده است»

«دشواری‌ها و کلمات رکیک» ویژگی دیگری است که بر پایه دیدگاه لیکاف (Lakoff, 1975)، زنان از بیان آن اجتناب می‌ورزند و جامعه نیز همین انتظار را از آن‌ها دارد. در بافت فرهنگی و اجتماعی شهرستان کامیاران نیز این مورد در زبان زنان و مردان کاملاً آشکار است. البته ناگفته نماند که زنان با سطح تحصیلات پائین نسبت به زنان با سطح تحصیلات بالا پروایی از بیان این واژه‌ها به ویژه در برابر فرزندان‌شان نداشتند. هر چند سطح واژه‌های رکیک از آن‌چه در نمونه‌های (۷) و (۸) بیان شده شدیدتر بودند، از جمله واژه‌های تابو و فحش‌های ناموسی که از آوردن این نمونه‌ها در این مقاله معذوریم.

7. kær

«خر»

8. næfam

«نفهم»

«پرسش‌های کوتاه ضمیمه» موردی بود که در داده‌های این پژوهش، در پیوند با گروه تحصیلی پائین بسیار بیشتر از گروه تحصیلی بالا کاربرد داشت. به باور لیکاف (Lakoff, 1975)، این ویژگی بیانگر نداشتن اعتماد به نفس و همچنین نبود قاطعیت کلام است. افراد، به ویژه زنان، زمانی از این ویژگی استفاده می‌کنند که در پی گرفتن تایید از مخاطب خود هستند. در پژوهش حاضر نیز، افراد زمانی که مطالبی را بیان می‌کردند که برایشان اهمیت دارد، بیشتر از پرسش‌های کوتاه ضمیمه استفاده می‌کردند. نمونه بارزی که بیشتر در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان مشاهده شد در مثال زیر آمده است.

9. wasæ ja wa nijæ

نیست اینطور یا هست

«اینطور هست یا نه؟»

در مورد «رنگ‌واژه‌های دقیق»، زنان کردزبان ساکن کامیاران نسبت به مردان از طیف رنگ‌های بیشتری استفاده می‌کنند:

10. gænemi

«گندمی»

11. hænari

«اناری»

لیکاف (Lakoff, 1975)، استفاده از رنگ‌واژه‌های دقیق را نشانه ضعف و نداشتن موضوعات مهم‌تری برای فکر کردن و صحبت در زنان می‌داند. هر چند به باور نگارندگان، این مسئله می‌تواند دلیل‌های گوناگونی از جمله ویژگی‌های زیست‌شناختی داشته باشد. این علت‌ها شاید باعث ایجاد کلامی قدرتمند نشود، اما طبیعتاً یکی از نشانگرهای زبان ضعیف هم به شمار نمی‌رود. پژوهشگرانی همچون گالتون (Galton, 1883; quoted from Khoushaei, 2013) در این زمینه مطالعاتی را انجام داده‌اند که مؤید ماهیت زیستی عامل بیان متفاوت رنگ‌واژه‌ها در زنان و مردان است:

زنان دارای دو کروموزوم X هستند. در نتیجه، تنوع سلول‌های مخروطی آنها نسبت به مردان بیشتر است. این تفاوت در نحوه توصیف دقیق زنان از رنگ‌ها کاملاً قابل مشاهده است. یک مرد در توضیحاتش از رنگ‌های اصلی مانند قرمز، آبی و سبز استفاده می‌کند، اما زن از رنگ‌های استخوانی، لاجوردی، ارغوانی و زیتونی سخن به میان می‌آورد (Galton, 1883; quoted from Khoushaei, 2013, p. 50).

ویژگی بعدی مورد بررسی «توصیف‌کننده‌های ضعیف» است که در زبان زنان مورد بررسی از زبان مردان کاربرد بیشتری داشت. این دسته از توصیف‌کننده‌ها معنای خاصی ندارند و بیشتر برای ابراز همدردی عمیق و صمیمانه بیان می‌شوند.

12. ?ey xowa gijan

جان خدا ای

«ای خدا جان»

13. ?æziz delæ kæm

من دل عزیز

«عزیز دلم»

ویژگی دیگر یعنی «تکیه تأکیدی» نیز در زبان زنان بیشتر از زبان مردان مورد مطالعه در این پژوهش کاربرد داشت. هر چند تفاوت در میان دو جنس زن و مرد چندان قابل توجه نبود. به این معنا که هر دو جنس در هر دو سطح تحصیلات بالا و پائین در کلام خود برخی واژه‌ها را با شدت

بیشتری بیان می‌کردند. مثال (۱۴) نمونه‌ای از کاربرد تکیه تأکیدی است که گوینده به قصد بیان شدت گرانی کالا از آن استفاده می‌کند.

14. *ʔæwnæ* gerano hæɾ nawe basi bekæj

بکنید بحث نمی‌شود اصلاً بود-گران آنقدر

«آن قدر گران بود که اصلاً نمی‌شود حرفش را هم زد»

آخرین ویژگی «آهنگ خیزان در جمله‌های خبری» است که در این پژوهش، در زبان مردان به طرز قابل توجهی کمتر از گفتار زنان است. به باور لیکاف (Lakoff, 1975)، زنان در جمله‌های خبری از آهنگ خیزان استفاده می‌کنند تا به گونه‌ای از پاسخ قطعی به پرسش نداده باشند. در نمونه زیر نیز شاهد آن هستیم که پس از پرسیدن اینکه ساعت چند برمیگردد؟ گوینده هم می‌خواهد جواب داده باشد و هم نداده باشد. در واقع، مفهوم پاسخ از این قرار است: حدود ساعت پنج خانه هستم.

15. a. *saʔæt çan hajtæ mal?*

خانه هستی چند ساعت

«ساعت چند خانه هستی؟»

β. *saʔæt pænʒ?*

پنج ساعت

«ساعت پنج»

به طور کلی می‌توان گفت یافته‌های پژوهش حاضر، همسو با رویکرد لیکاف (Lakoff, 1975) است. این یافته‌ها بیانگر این نکته است که در جامعه کردزبان ساکن در شهر کامیاران، گفتار زنان حاوی ویژگی‌های زبانی عاری از قدرت و قاطعیت بیشتری نسبت به زبان مردان است. به نظر می‌رسد تحصیلات با بستر فرهنگی و اقتصادی جامعه همبسته باشد و پیشرفت و تأثیرگذاری هر یک در گرو پیشرفت دیگری باشد. با این وجود به باور نگارندگان، هجمه و عوامل فرهنگی با منشأ سنتی چنان قوی عمل می‌کنند که بدون ایجاد گسست کامل از برخی از آن‌ها نمی‌توان به درک صحیحی از دنیای مدرنی دست یافت که فارغ از تبعیض جنسیتی باشد. فرهنگ حاکم در بافت اجتماعی شهرستان کامیاران همچنان با اقتدار زیادی پیرو دنیای سنتی است. به جرأت می‌توان گفت که تأثیر باورهای سنتی آن قدر زیاد است که بسیاری از مناسبات میان افراد را تعیین می‌کند و در زبان که اصلی‌ترین عامل ارتباط است، همچنان جایگاه محکمی دارد.

فهرست منابع

- ابراهیمی، ژینو (۱۳۹۶). بررسی ویژگی‌های زبانی زنان با توجه به متغیر سن بر اساس رویکرد لیکاف. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی کرمانشاه.
- اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۳). تعامل زبان و جنسیت و کارکرد آن در ادبیات داستانی معاصر فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور تهران.
- برزگر آق‌قلعه، عبدالحسین (۱۳۷۸). جنسیت و تفاوت واژگان افراد در فارسی معیار به کار رفته در ادبیات داستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- جابر، مریم (۱۳۸۱). بررسی مبالغه و رابطه آن با جنسیت در نوشتار فارسی و انگلیسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- حاتمی، حدیث (۱۳۹۵). بررسی قاطعیت در گفتار زنان و مردان کردزبان در اسلام‌آباد غرب بر اساس رویکرد تسلط لیکاف. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی کرمانشاه.
- خوشابی، رکسانا (۱۳۹۲). تفاوت‌های دوست‌داستی. ماهنامه دنیای سلامت. سال ۸، شماره ۹۴. صص ۵۰-۵۱.
- داوری اردکانی، نگار و عطیه عطار (۱۳۸۷). «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت». مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۱، شماره ۴۲. صص ۱۸۲-۱۶۲.
- دلبری، حسن، هدی میرایی و علی محمد عرب پور محمدآبادی (۱۳۹۶). «بررسی متغیر جنسیت با تکیه بر زبان زنانه در رمان کنیز و اثر منیر و روانی‌پور». پژوهش‌های ادبی. شماره ۵۸. دوره ۱۴. صص ۳۱-۴۸.
- رهر، بهزاد، بهروز محمودی بختیاری و گیتی کریم خانلویی (۱۳۹۱). «رابطه جنسیت و قطع گفتار: بررسی جامعه‌شناختی زبان». جستارهای زبانی. دوره ۳، شماره ۴. صص ۱۳۵-۱۴۷.
- شریفی مقدم، آزاده و آناهیتا بردبار (۱۳۸۹). «تمایزگونگی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی پژوهشی زبان‌شناختی». زبان پژوهی. دوره ۲، شماره ۳. صص ۱۲۵-۱۵۱.
- عاملی موسوی، بهناز (۱۳۶۸). گفتار مؤدبانه و جنسیت در فارسی تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- فاریان، محمدرضا (۱۳۷۸). جنسیت در واژگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- محمودی بختیاری، بهروز و دهقانی، مریم (۱۳۹۲). «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان». نشریه زن در فرهنگ و هنر. دوره ۵، شماره ۴. صص ۵۵۶-۵۴۳.

References

- Aameli Mousavi, B. (1989). *Polite speech and sex in Farsi Tehrani* (Master thesis). Tehran University, Tehran, Iran [In Persian].
- Aslani, M. (2004). *Interaction of language and gender and its function in contemporary Farsi literature* (Master thesis). Payam-e Noor University, Tehran, Iran [In Persian].
- Bamman, D., Eisenstein, J., & Schnoebelen, T. (2014). Gender identity and lexical variation in social media. *Journal of Sociolinguistics*, 18(2), 135-160.

- Barzegar Aq Qala, A. (1999). *Gender and Difference of Vocabulary of People in Persian. Standard used in fiction* (Master thesis). University of Tehran, Tehran, Iran [In Persian].
- Davari Ardakani, N. (2008). An exploration in gender linguistics research. *Journal of Women Studies*, 42, 162-182 [In Persian].
- Delbari, H., Mirdie, H., Arab Pour, M., & Abadi, A. (1396). The Study of gender variable based on women language in Kanizi's novel by Manoir Rouhanipour. *Journal of Literary Research*, 58(14), 31-48 [In Persian].
- Ebrahimi, Zh. (2018). *Women's features of speech based on Lakoff's approach: the effect of age* (Master thesis). Razi University, Kermanshah, Iran. [In Persian].
- Galton, F (1883). *Inquiries into human faculty and its development*. London: J.M. Dent & Company [In Persian].
- Hatami, H. (2017). *The study of certainty in Kurdish women and men's speech in Eslam Abad-E Gharb based on Lakoff's dominance approach* (Master thesis). Razi University, Kermanshah, Iran [In Persian].
- Hudson, R. A. (1990). *Sociolinguistics*. Cambridge: Cambridge university press.
- Jaber, M. (2002). *Exaggeration and its relation with gender in Persian and English Text* (Master thesis). University of Tehran, Tehran. Iran. [In Persian].
- Ketabi, S., Aghili, M., & Abou Alhashemi, M. (2010). Gender and its relation to acceptability and transparency of Neologisms: a case study of general words approved by academy of Persian language and literature. *Women in Culture and Art*, 99-108 [In Persian].
- Khoushaei, R. (2013). Lovely differences. *Donyay-e Salamat*, 94, 50-51 [In Persian].
- Lakoff, R. (1973). Language and woman's place. *Language in Society*, 2, 45-80.
- Lakoff, R. (1975). *Language and woman's place*. New York: Harper & Row.
- Lakoff, R. (2004). *Language and woman's place, text and commentaries*. Oxford: Oxford University Press.
- Longobardi, E., Spataro, P., & Frigerio, A. (2016). Gender differences in the relationship between language and social competence in preschool children. *Infant Behavior and Development*, 43, 1-4.
- Mahmoudi Bakhtiari, B. & Dehghani, M. (2013). The relationship of language and gender in contemporary Persian novels: a study of six works. *Journal of Women in Culture and Arts*, 5(4), 543-556.
- O'Barr, W. & Atkins, B. K. (1980). Women's language or powerless language? *Women and Language in Literature Society*, 93-110.
- Rahbar, B., Mahmodi Bakhtiari, B., & Karim Khanlovei, G. (2012). Relationship between gender and speech: sociological study of language. *Language Tests*, 135-147 [In Persian].
- Sharifi Moghadam, A. & Bordbar, A. (2011). Gender distinctiveness in Parvin E'tesami's poems. *Zabanpazhuhi*, 2(3), 125-151 [In Persian].
- Tannen, D. (1986). *That's not what I meant!* New York: Random House.
- Tannen, D. (1990). *You just don't understand: women and men in conversation*. New York: Ballantine.
- Tannen, D. (1994). *Gender and discourse*. New York: Oxford University Press.
- Trudgill, P. (1983). *Sociolinguistics, an introduction to language and society*. Harmondsworth: Penguin Books.
- Voegeli, F. (n.d.). (2005). *Differences in the speech of men and women: linguistic construction and performance of gender*. (Unpublished Master's thesis) University of Applied Sciences Zurich, Zurich. Switzerland.

The Study on Power and Certainty in the Language of Kurdish Speakers based on Lakoff's Dominance Approach

Zhino Ebrahimi¹
Ronak Moradi²

Received: 25/09/2017

Accepted: 05/11/2018

Abstract

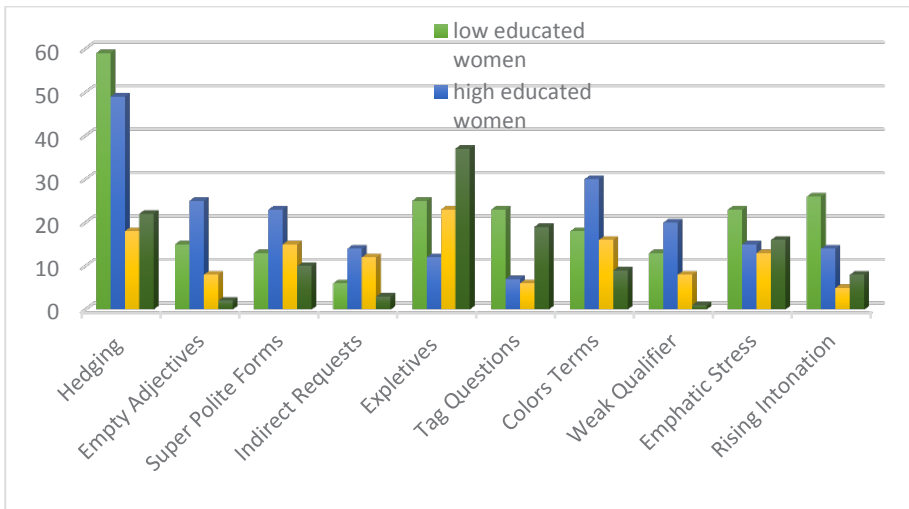
“If a little girl ‘talks rough’ like a boy, she will normally be ostracized, scolded, or made fun of” (Lakoff, 1973, p. 47). Lakoff believed that society keeps children in line, in their place; which means the society needs girls and boys to behave according to their sex in every aspect of their social life. She reflected, although, “this socializing process is harmless and often necessary in many aspects”, it has the potential to raise serious problems when it is used in language, due to the fact that “the acquisition of this special style of speech will later be an excuse others use to keep her in demeaning position, to refuse to take her seriously as a human being”. This was a big claim, which urged many linguists to investigate how true it is. Although more than four decades have passed since Lakoff first introduced her thought, still the question whether gender is responsible for the way women talk has not been answered and requires more debate; the reason for this article be written. We think if Lakoff’s claim is true, it can be easily surveyed in Middle East, with the dominant soul of patriarchy stronger than that of western world. In this article, we interviewed 20 women of two educational levels (attending university versus not-attending university) and 20 men, again with the same two educational levels. Age was controlled and all the interviewees were between 25-35 years old. All the interviewees were speakers of Sorani Kurdish, living in Kamyaran, a town in Kurdistan Province, Iran.

Lakoff explored what she called “Dominance Theory” “with regard to lexicon (color terms, particles, evaluative adjectives), and syntax (tag-questions, and related aspects of intonation in answers to requests, and of requests and orders)” (1973, p. 45), and asserted that there are systematic linguistic differences between men and women’s talks, showing that women’s language conveys components which bring uncertainty and lack of self-confidence to them. In other means, Lakoff knows “talking like a lady” a powerless language. In order to investigate this

¹ Master in Linguistics, Department of Linguistics, Razi University, Kermanshah (Corresponding Author); ebrahimi.zhino@stu.razi.ac.ir

² Assistant Professor of Linguistics, Linguistics Department, Payam Noor University, Kermanshah; r.moradi@pnu.ac.ir

powerlessness, we extracted some data from the interviews, and then, re-extracted them after some months through internal validity test to be sure of the validity. The results of the data by chi-square test demonstrate that there is a significant relationship between gender and “lady talk” in Kurdish. The female interviewees, regardless of their education, employed all the points raised in the theory more than the males, except for taboos: 37 taboos by women against 60 ones by men, which is in line with Lakoff’s claim. However, education plays differently; we expected that educated women and men use a stronger version of language, on the grounds that education seems to bring self-confidence. But the comparison between more highly educated ones with less educated ones did not prove that education makes speech stronger. Among the 10 components pertaining to the power of language, higher education lessens 5 (including hedges, expletives and vulgar expressions, tag questions, emphatic stress and rise in intonation) while reinforcing the other 5 (empty adjectives, super polite forms, indirect requests, color terms and weak quantifiers), regardless of gender. To understand better, look at the following bar graph.



In sum, by the help of the effects of education on language, one can deduce that the features of the language being regarded as powerless by Lakoff are correct choices; when a person’s knowledge grows, s/he happens to be more conscious that her/his understanding of the world is imperfect, then s/he uses less certain terms (like weak quantifiers). Furthermore, more education makes a person more sensitive to her/his social status, driving her/him to use more “polite forms” and “indirect requests”; a kind of withdrawal from boasting to be super strong, and in response, getting more respect.

Our study, not only confirms Lakoff’s general notion that gender is the main variable in the certainty of language, but admits that the features she declared for her theory, except for color terms, are the key ones in considering the power of language.

Keywords: Power and certainty, Gender, Sorani dialect, Lakoff